

هنر در زمانه‌ی نفرتِ فرهنگی میانِ عریانِ هنری و عریانِ ممنوع نگاره‌ی عریان در موزه این ممکن است آیا؟

نگاره از زنِ عریان آیا به اعتبارِ موزه آسیب می‌زند؟
 'وقت آن نداشتیم که موز (پری) کسی باشم، سرم شلوغ بود با سرکشی در برابر خانواده و آموختنِ هنر.' این
 گفتاوردی است از لئونورا کارینگتون (Leonora Carrington) در یکی از نوشته‌ها برای نمایشگاه *اشک‌های اروس*
 در موزه مرکزی اوترخت (هلند) که در هفته سوم فوریه ۲۰۲۰ افتتاح شد.
 نگاره‌های سوررئالیستی یوپ موسمان (Joop Moesman) در مرکز توجه این نمایشگاه است.

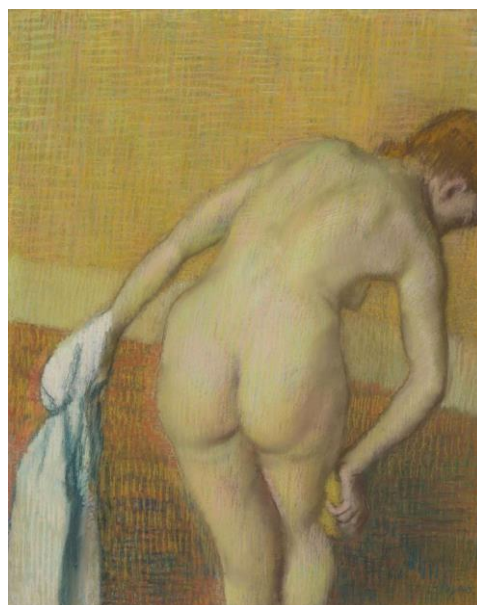


اشک اروس، یوپ موسمان، ۱۹۳۵

برپاکننده‌ی نمایشگاه گفته است که زمان تحصیل در دانشگاه با کارهای موسمان مشکل داشت، چون ضد زن می‌نمود.
 درست است. زنان نگاره‌های موسمان خلاصه شده‌اند به پستان و باسن و چنان منفعل‌اند که در برخی حتا سر ندارند.
 اما نگاره‌های او با برجسب 'ضاله' در پستو پنهان نشده‌اند. به عریانیِ تمام به نمایش گذاشته شده‌اند. کنارِ زنان
 نگارگر سوررئالیست چون کارینگتون و نگارگران امروزمین تا چشم‌انداز دیگری بگشایند و پاسخی نیز باشند به
 موسمان.



اومبرتو ورودا [Umberto Veruda] زن عریان



زن در حال شستشو، ادگار دگا

شاید امیلی گُردنکر [Emilie Gordenker] – رییس موزهی ون گوگ آمستردام، از فوریه ۲۰۲۰- به همین فکر کرده بود که در گفتگویی گفت: 'این بحث را باید ریخت دور که نگارهی زن عریان برای همهی دیدارکنندگان موزه از فرهنگ‌های گوناگون مناسب است یا نه.' گروهی از طرفداران جنبش #MeToo اعتراض کرده بودند به خرید نگاره‌ای از ادگار دگا با نام *زن در حال شستشو* (۱۸۸۶).

در هلند جنجالی به پا شد از این گفته‌ی او. در رسانه‌های گوناگون این سخن را توهین به جامعه‌ی چند فرهنگی دانستند. برخی از این پیش‌تر رفته و سخن او را حتا محافظه‌کارانه خواندند. از توهین‌های راست افراطی که بگذریم، واژگانی چون 'تقوای سیاسی' و 'اقلیت‌های جیغ‌جیغو' به کار رفت و نیز 'جهان‌بینی مردکان جبون' قرون وسطایی با کاستی مذهبی!

نکته این بود که همه‌ی نقدها به ارزش‌های فرهنگی 'ما' در برابر حساسیت مهاجران و اغلب مهاجران مسلمان پرداخته بود. این‌گونه بود که نگاره‌ی ادگار دگا پا به درون غارِ نفرت فرهنگی گذاشت. نگاره‌ی طراحی پاستل پس از ۱۳۰ سال، شد سلاح جنگ میان 'ما' و 'آن‌ها'. 'عریان باید مجاز باشد' در برابر 'برهنه حرام است'.

در چنین گفت و گو و بحثی، به خود نگاره چندان اعتنا نشد و نیز انگیزه‌ی نگارگر که در شرایط امروز بسیار بحث‌انگیزتر و مشکل‌سازتر است از به تن داشتن لباس یا عریانی. زیرا زن در حال شستشو از پشت نگاریده شده. یعنی که چشمِ هیژ مردانه در حال دیدن زدن‌اش است.

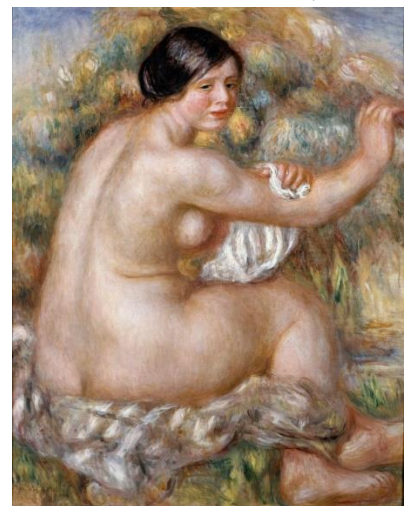
این بهانه‌ای است در زمانه‌ی پساواینستین (Harvey Weinstein/هاروی واینستین، تهیه‌کننده سابق فیلم در هالیوود؛ متهم به آزار و سوءاستفاده جنسی. اتهامات علیه او سبب به وجود آمدن جنبش #MeToo شد) برای عصبانی شدن. چون اکنون برداشت از زن عریان در هنر دیگر ربطی به زیباییشناسی و آناتومی کامل ندارد، بلکه بازتابی است از رابطه‌ی نابرابر و سوءاستفاده از قدرت مردانه. آنچه در زمانه‌ی ادگار دگا تماشای معصومانه بود، اکنون تجاوز با نگاه خواننده می‌شود.

موزه‌ها باید در آغاز سرسرای نمایشگاه بنویسند که طرح‌ها و نگاره‌ها از دورانی‌اند که ارزش‌های دیگری مطرح بود. آخر تماشاگران موزه‌ها در غرب نه تنها اهل سرزمین‌های چشم‌بادامی‌ها که از جهان نفت‌فروشان حرم‌سرادار نیز هستند. شگرد موزه‌ها اکنون چیدن نگاره‌های عریان امپرسیونیست‌ها از دوران برایتتر، اسرایلیز، اسلاووتر و ادگار دگا در کنار آثار امروزی‌هاست. تن به مثابه‌ی جسم رنج کشیده از نابرابری!

یعنی: شرم از گونه‌ی تقوای ویکتوریایی که امپرسیونیست‌ها با آن سر و کار داشتند. تماشاگر کنونی موزه باید امروز از خود بپرسد این نگاره‌های به نمایش گذاشته شده آیا از کسانی‌ست که به زور عریان شده‌اند؟



الفیف پترسون (Eilif Peterssen): شبانه



پی‌یر اگوست رنوار: خشک‌کردن خود پس از شستشو

نمایشگاه *عریان – تن آسپ‌پدیر* به سال ۲۰۱۸-۲۰۱۹ در شهر برخن (Bergen) - شمال هلند – نیز همین سرنوشت را داشت. نمایشگاه در کنار تندیس بزرگ آلت مردانه، تصویر بزرگی گذاشته بود از کودکی عریان در کرانه‌ی دریا با عنوان *پیران اکنون* و نیز تصویری از تبلیغ انتخاباتی حزب سوسیالیست (هلند) که پیرزنی در اعتراض به صرفه‌جویی بهداری لباس از تن بیرون کشیده بود. مسئول نمایشگاه در گفتگویی عنوان کرده بود: 'به

جست و جوی منطقه‌ی بی‌طرفی بوده‌ام که مشکل بتوان بد از خوب، تن‌کام‌خواه از غیرتن‌کام‌خواه جدا کرد، یا شوک‌آور از غیر آن!

داوری اخلاقی درباره‌ی هنر هنوز هم قربانی ارزش‌گذاری زیباشناسانه است. عکس‌های تن‌کام‌خواهانه‌ی سانه سانز (Sanne Sannes) که اکنون در سرسرای هنر روتردام (Kunsthal) به نمایش گذاشته شده، در دهه‌ی شصت سده‌ی گذشته مورد تحسین بود. اکنون خیلی‌ها آن را زن‌ستیز می‌دانند. گرچه هنوز کسی فریاد نزده که این کارها را باید از نمایشگاه دور ریخت. سه سال پیش اما در موزه متروپولیتن نیویورک این اتفاق افتاد. گروهی مادران - باتقوا - به عکس دخترک یازده‌ساله‌ای که شورت سفید به پا داشت، اعتراض کردند، از این رو که شورت در مرکز عکس قرار داشت. دلیل‌شان این بود که به زمانه‌ی اوج‌گیری خشونت جنسی نباید چنین کاری دید یا به نمایش گذاشت. موزه‌ها اکنون در خلاء اجتماعی نیستند؛ کارشان واکنش به موضوع روز است.

سیاسی کردن هنر آن را تبدیل کرده به ابزار برای برابری زن و مرد و اقلیت‌ها. چنین است که خیلی زود داوری می‌شود درباره‌ی بد و خوب و خاص بودن می‌شود شکلی از منزوی کردن. اگر کار هنری انگیزاننده‌ی نفرت باشد، تنها باید بسنده کرد به کارهای تزئینی. بازاری - آن‌وقت‌ها می‌گفتیم 'اشغال‌های خیابان منوچهری' که اکنون فراوان‌تر است - پس موزه به چه دردی می‌خورد؟ موزه آیا راه‌گریز از دیدگاه‌های تندرو نیست تا هر کسی هرچه می‌خواهد بگوید؟ موزه جایی است آزاد که تضادها بی‌هیچ پرده پوشی در برابر چشم گذاشته می‌شود. جایی برای رو به رو شدن با هر چیزی تا نیاز نباشد بیرون آن به جان هم بیفتیم. چه خوب که رییس موزه ون گوگ نگاره‌ی ادگار دگا را جایی آویخته که هر کسی بتواند ببیند. به دور ریختن عملی. بحث درباره‌ی مناسب و نامناسب. موزه‌های غرب دیرینه‌ست که به این جنبه از تضاد پرداخته‌اند. در امریکای دهه‌ی هشتاد و نود سده‌ی گذشته حتا چنان پیش رفتند که واژگانی چون تبعیض مثبت (Affirmative action) معنای پیش‌داوری جعلی یافت.



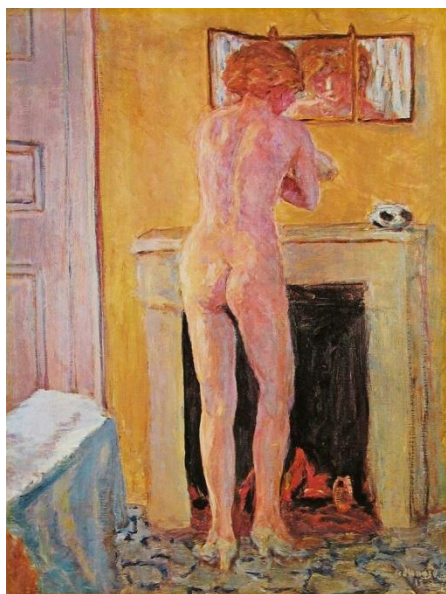
یوپ موسمان: دیدار



ادگار دگا: زن در حال خشک کردن خود

سه دیدگاه: 'نژادپرستی بس بدتر است'

میکه بال (Mieke Bal)، استاد صاحب کرسی ادبیات و نقد هنری: 'به این موج تازه‌ی تقوا بی‌اعتمادم. سانسور هرگز چاره‌ی مشکل نیست. و: داوری منفی درباره‌ی عریانی شیوه‌ی تفکر غیرتاریخی است. مهم است وادار کردن آدم‌ها به اندیشیدن، حتا اگر شده با نوشتن متن کوتاه در کنار کارهای هنری و بروشورها!'. 'دگا زنان را مشغول به کاری نشان می‌دهد و آنان را نگذاشته روی مبل. این می‌تواند مقایسه‌ای آموزنده باشد. نشان ندادن سر حتا می‌تواند تداعی حرکت باشد و نه منفعل نشستن!'. 'تازه از دیدن من نگاره از بردگان سیاه، اغلب خردتر و در پس‌زمینه، نفرت‌انگیز است. نژادپرستی و برده‌داری که بسیار نیز وجود دارد، بدتر از نگاره از زنان عریان است!'

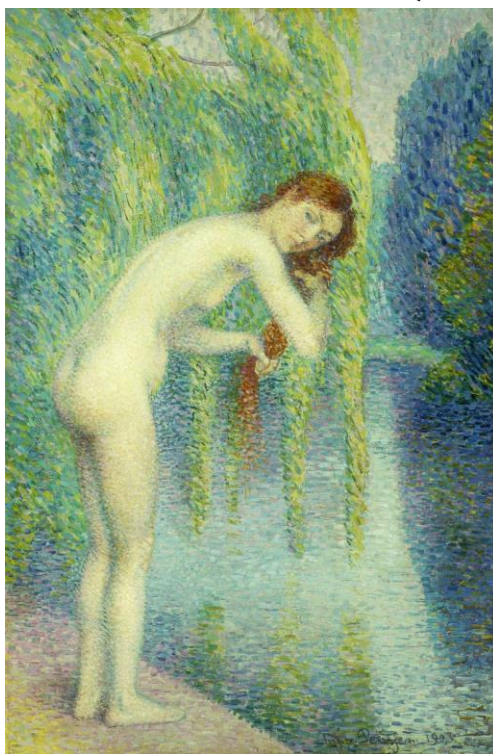


پیتر بونارد: عریان جلوی شومینه



ساته سانز

آن دیمیستر (Ann Demeester)، رییس موزهی فرانس هالس – هارلم، هلند: 'در آویختن نگارهی عریان بر دیوارهای موزه نباید تردید کرد، به هیچ روی. وقتی قانون زیر پا گذاشته نشود، همه کاری که مهم است باید امکان پذیر باشد. زمانی خطرناک است که موزه بخواهد از دام بگریزد. هنر از زمانه‌ی دیگر را باید بتوانی شرح بدهی. چگونه می‌توان تماشااش کرد؟ ارزش هنری همیشه فراز همه چیز است!' 'نمی‌خواهم بگویم که هرکاری را می‌توان به نمایش گذاشت. باید زمینه فراهم باشد. باید بتوانی بگویی چرا این کار را می‌کنی. اگر برخی دیدارکنندگان احساس ناراحتی می‌کنند، در آغاز سرسرای نمایشگاه برگی آویزان کن با هشدار بر روی آن. خود آنان می‌توانند بگزینند برای پا گذاشتن به سالن نمایشگاه.'



هیپولیت پتیژان (Hippolyte Petitjean)، زن در حال شستشوی مو